

ponding—the creation and maintaining of a shallow pond of water on the surface of a concrete slab to assist curing; accidental or incidental occurrence of a shallow pond or ponds on a nominally flat surface of concrete; a condition in which a horizontal slab deforms downward between supports.

حوضچه سازی - ایجاد و نگهداری یک حوضچه کم عمق از آب روی سطح دال بتنی برای کمک به عمل آوری؛ ایجاد تصادفی یا اتفاقی حوض یا حوضچه های کم عمق روی سطح اسم صاف بتن؛ شرایطی که در آن دال افقی بین تکیه گاه ها گود شده و تغییر شکل می دهد.

popcorn concrete— **بتن متخلخل** رجوع شود به **concrete, popcorn**

popout—the breaking away of small portions of a concrete surface due to localized internal pressure that leaves a shallow, typically conical, depression; small popouts leave holes up to 0.4 in (10 mm) in diameter; medium popouts leave holes 0.4 to 2 in. (10 to 50 mm) in diameter; and large popouts leave holes greater than 2 in. (50 mm) in diameter.

بیرون پریگی (جهیدگی) (قلوه کن شدن) - بیرون پریدن بخش های کوچکی از سطح بتنی به دلیل فشار داخلی موضعی که فرورفتگی کم عمق و معمولاً مخروطی ایجاد می کند؛ بیرون پریگی های کوچک سوراخ هایی به قطر 10 مظهرتر ایجاد می کنند؛ بیرون پریگی های متوسط سوراخ هایی به قطر 10 تا 50 مظهرتر ایجاد می کنند؛ و بیرون پریگی های بزرگ، سوراخ هایی با قطر بیشتر از 50 مظهرتر ایجاد می کنند.

porosity—the ratio, usually expressed as a percentage of the volume of voids in a material to the total volume of the material including the voids.

تخلخل (پوکی) - نسبتی که معمولاً برحسب درصدی از حجم فضاها یا خالی ماده به حجم کل ماده شامل حفره ها بیان می شود.

portland blast-furnace slag cement- **سیمان پرتلند سرباره کوره آهنگدازی** رجوع **furnace slag**

portland cement— **سیمان پرتلند** رجوع شود به **cement, portland**

portland-cement clinker— **کلینکر سیمان پرتلند** **clinker, portland-cement**

رجوع شود به

portland-cement concrete— **بتن سیمان پرتلند** رجوع شود به **concrete**

portland-pozzolan cement— **سیمان پرتلند پوزولانی** **cement, portland-pozzolan**

رجوع شود به

portlandite—the mineral, calcium hydroxide ($\text{Ca}(\text{OH})_2$); occurs naturally in Ireland; equivalent to a product of hydration of portland cement.

پرتلندیٹ - ماده معدنی، ه هیدروکسید کلسیم ($\text{Ca}(\text{OH})_2$)؛ به طور طبیعی در ایرلند وجود دارد؛ معادل محصول ه هیدرات شدن سرهمان پرتلند.

porous fill— **پرکننده متخلخل (بلوکاز)** **drainage fill** رجوع شود به

positive displacement—wet-mix shotcrete delivery equipment in which the material is pushed through the material hose in a solid mass by a piston or auger.

جابجایی مثبت - تجهیزات انتقال و تحویل مخلوط بتن پاششی با روش تر که در آن مواد بصورت جامد از طریق شلنگ انتقال بوسیله پیستون یا مارپیچ رانده می‌شود.

positive moment— **لنگر (گشتاور) مثبت** **moment, positive** رجوع شود به

positive reinforcement— **تقویت مثبت** **reinforcement, positive** رجوع شود به

post—vertical formwork member used as a support; also known as shore, prop, or jack.

تیرک (دیرک) - عضو قالب بندی قائم که به عنوان تکیه گاه استفاده می‌شود؛ همچنین به عنوان شمع، شمع تلسکوپی یا جک شناخته می‌شود.

post shore— **پایه (دیرک)** **shore, post** رجوع شود به

post-tensioning—a method of prestressing reinforced concrete in which tendons are tensioned after the concrete has hardened.

پس کشیدگی - روش پیش تریگی بتن مسلح که در آن تاندون ها پس از سخت شدن بتن، کشیده می‌شوند.

post-tensioning, bonded—post-tensioned construction in which the annular spaces around the tendons are grouted after stressing, thereby bonding the tendon to the concrete section.

پس کشیدگی چسبیده - ساخت و ساز پس کشیده که در آن فضاهای حلقوی اطراف تاندون ها پس از اعمال تنش روان ملات ریزی می‌شوند و در نتیجه تاندون را به بخش بتنی می‌چسبانند.

pot life—time interval after preparation during which a liquid or plastic mixture is to be used.

زمان کارپزیری - فاصله زمانی پس از آماده سازی که طی آن مخلوط مایع ی خمیری بای استفاده شود.

pouring (of concrete)— بتن ریزی placement and placing رجوع شود

به

power float— ماله برقی float, rotary (preferred term)

رجوع شود به

Powers' spacing factor— ضریب فاصله Powers' factor, spacing (preferred term) رجوع شود به (term)

pozzolan—a siliceous or siliceous and aluminous material that in itself possesses little or no cementitious value but that will, in finely divided form and in the presence of moisture, chemically react with calcium hydroxide at ordinary temperatures to form compounds having cementitious properties; there are both natural and artificial pozzolans.

پوزولان - ماده سرطیری-آلومینی که به خودی خود ارزش سرطیری کمی دارد علی اصلاً ارزش سرطیری ندارد، اما به شکل پودر نرم و در حضور رطوبت، در دماهای معمولی با ه یروکسید کلسیم واکنش شیمیایی می دهد و ترکیباتی (آمیژه-هایی) با چسبانندگی ایجاد می کن؛ پوزولان بصورت طبیعی و مصنوعی وجود دارد.

pozzolan, artificial—materials such as fly ash and silica fume. (See also **fly ash**, and **silica fume**.)

پوزولان مصنوعی - موادی مانند خاکستر بادی و دوده سرطیری. (رجوع شود به **fly ash**, and **silica fume**)

pozzolan, natural—a raw or calcined natural material that has pozzolanic properties (for example, volcanic tuffs or pumicites, opaline cherts and shales, clays, and diatomaceous earths).

پوزولان طبیعی - ماده طبیعی خام علی کلسینه شده که دارا ی خواص پوزولانی است (بوای مثال، توف های آتشفشانی علی پومیت، چرت و شیل اوپالین، خاک رس و خاک دکتومه).

pozzolanic—of or pertaining to a pozzolan.

پوزولانی - ناشی از پوزولان علی مربوط به آن.

pozzolanic-activity index— شاخص فعالیت پوزولانی index, pozzolanic-activity

رجوع شود به

pozzolanic reaction— واکنش پوزولانی pozzolan رجوع شود به

preblended grout— رجوع شود **grout, preblended** روان ملات پیش آمیخته (آماده)
به

precast—a concrete member that is cast and cured in other than its final position; the process of placing and finishing precast concrete. (See also **cast-in-place**.)

پیش ساخته - عضو بتنی که در غی از محل نهایی خود ریخته و عمل آوری می‌شود؛ فرآیند ریختن و پرداخت نمودن بتن پیش ساخته. (رجوع شود به **cast-in-place**)

precast concrete— بتن پیش ساخته **concrete, precast**
رجوع شود به

precast pile— شمع پیش ساخته **pile, precast** رجوع
شود به

precompressed zone— ناحیه پیش فشرده **zone,**
رجوع شو به **precompressed**

precuring period— دوره پیش عمل آوری **period, presteaming (pt)**
رجوع شود به

prefire—to raise the temperature of refractory concrete under controlled conditions before placing it in service.

پیش شعله‌وری (اشتعالی) - بالا بردن دمای بتن نسوز در شرایط کنترل شده قبل از بهره برداری.

preformed foam— کف آماده **foam, preformed**
رجوع شود به

premature stiffening— سفت شدن زودرس (زود سفت شدگی) **set, false and set, flash**
رجوع شود به

prepacked concrete— بتن پیش آکنده **concrete, preplaced-**
رجوع شود به **aggregate**

preplaced-aggregate concrete— بتن با سنگدانه پیش آکنده **concrete, colloidal**
رجوع شود به

pre-post-tensioning—a method of fabricating prestressed concrete in which some of the tendons are pretensioned and a portion of the tendons are post-tensioned.

پیش-پس-کشیدگی - روشی برای ساخت بتن پیش تنیده که در آن برخی از تاندون ها پیش کشیده و بخشی دیگر پس کشیده می-شوند.

preservation—the process of maintaining a structure in its present condition and arresting further deterioration. (See also **rehabilitation**; **repair**; and **restoration**.)

حفظ (نگهداری) - فرآیند حفظ سازه در شرایط فعلی و جلوگیری از زوال بیشتر. (رجوع به **rehabilitation**; **repair**; and **restoration**)

period, prestaming (pt) رجوع شود به دوره پیش گیرش **preset period**—

concrete بتن (مالات، روان ملات) پیش جمع شده **preshrunk concrete (mortar, grout)**—
(mortar), preshrunk.

edge, pressed رجوع شود لبه فشرده **pressed edge**—
به

pressure— فشار

pressure, form—lateral pressure acting on vertical or inclined formed surfaces, resulting from the fluid-like behavior of the unhardened concrete confined by the forms.

فشار به قالب - فشار جانبی که بر روی سطوح قائم طریقه دار قالب اعمال می شود، که ناشی از رفتار سرجال-مانند بتن سخت نشده که در قالب محصور شده است.

pressure, form رجوع فشار جانبی **pressure, lateral**—
شود به

pressure line—locus of force points within a structure resulting from combined prestressing force and externally applied load.

خط فشار - مکان نقاط نیرو در سازه که از ترکیب نیروی پیش تنیدگی و بار اعمال شده از بیرون حاصل می شود.

period, prestaming رجوع دوره پیش بخار دهی **prestaming period**—
شود به

prestress—to place a hardened concrete member or an assembly of units in a state of compression before application of service loads; the stress developed by prestressing, such as by pretensioning or post-tensioning. (See also **concrete, prestressed**; **steel, prestressing**; **pretensioning**; and **post-tensioning**.)

پیش تنش - قرار دادن یک عضو بتنی سخت شده طی مجموعه ای از اعضاء در حالت فشاری قبل از اعمال بارهای بهره برداری؛ تنش ناشی از پیش تنیدگی، مانند پیش کشیدگی طی پس کشیدگی. (رجوع شود به **pretensioning**; and **post-tensioning**)

prestress, effective—the prestressing force at a specific location in a prestressed-concrete member under the effects of service dead load or total service load after losses of prestress have occurred.

پیش تنش مؤثر - نیروی پیش تنیدگی در مکانی خاص از عضو بتنی پیش تنیده تحت اثر بار مرده بهره برداری طی کل بار بهره برداری پس از افت های پیش تنیدگی.

prestress, final— **پیش تنش نهایی** **stress, final** رجوع شود به

prestress, initial—the prestressing stress (or force) applied to the concrete at the time of stressing.

پیش تنش اولیه - تنش پیش تنیدگی (طی نیروی) اعمال شده به بتن در زمان اعمال تنش.

prestress, transverse—prestress that is applied at right angles to the longitudinal axis of a member or slab.

پیش تنش عرضی - پیش تنیدگی که در زاویه قائمه نسبت به محور طولی عضو دال اعمال می شود.

prestressed concrete— **بتن پیش تنیده** **concrete, prestressed** رجوع شود به

prestressing, nonsimultaneous—the post-tensioning of tendons individually rather than simultaneously.

پیش تنش ناهمزمان - پس کشیدگی جداگانه تاندون ها بصورت منفرد بجای همزمانی.

prestressing, partial—prestressing to a stress level such that, under design loads, tensile stresses exist in the precompressed tensile zone of the prestressed member.

پیش تنیدگی جزئی - پیش تنیدگی تا حدی که تحت بارهای طراحی، تنش های کششی در منطقه کششی پیش فشرده عضو پیش تنیده بوجود آید.

prestressing steel—

فولاد پیش تنیدگی

رجوع **steel, prestressing**

شود به

pretensioning—a method of prestressing reinforced concrete in which the tendons are tensioned before the concrete has hardened.

پیش کشیدگی - روشی برای پیش تنیدگی بتن مسلح که در آن تاندون‌ها قبل از سخت شدن بتن کشیده می‌شوند.

pretensioning bed (or bench)—the casting bed on which pretensioned members are manufactured and which resists the pretensioning force prior to release.

بستر پیش کشیدگی - بستری بتن ریزی که اعضای پیش کشیده روی آن ساخته می‌شوند و قبل از رها شدن، در برابر نیروی پیش کشیده مقاومت می‌کنند.

primary crusher—

سنگ شکن (خرد کننده) اولیه

رجوع **crusher, primary**

شود به

primary nuclear vessel—interior container in a nuclear reactor designed for sustained loads and for working conditions.

مخزن هسته ای اولیه - فضای داخلی در راکتور هسته ای که برای بارهای پایدار و شرایط کاربری طراحی شده است.

principal planes—

صفحه های اصلی

رجوع **stress, principal** شود به

principal stress—

تنش اصلی

رجوع **stress, principal** شود به

probabilistic design—

طرح احتمال گرایانه (احتمالاتی)

رجوع **design, probabilistic**

شود به **End P 53** **ص 53**

probe, penetration—a device for obtaining a measure of the resistance of concrete to penetration; customarily determined by the distance that a steel pin is driven into the concrete from a special gun by a precisely measured explosive charge.

میله نفوذ - وسیله ای برای سنجش مقاومت بتن در برابر نفوذ؛ معمولاً با عمق نفوذ میله فولادی شلیک شده از تفنگ مخصوص با بار انفجاری دقیق در بتن اندازه گیری می‌گردد.

process—

فرآیند

process, centrifugal—a process for producing concrete products, such as pipe, that uses an outer form that is rotated about a horizontal axis and into which concrete is fed by a conveyor; also called spinning process. (See also **concrete, centrifugally cast; process, dry-cast; packerhead; process, tamp; and process, wet-cast.**)

فرآیند گریز از مرکز - فرآیندی برای تولید محصولات بتنی، مانند لوله، که از قالب بی‌وژی استفاده می‌کند که حول محور افقی می‌چرخد و بتن توسط نوار نقاله وارد آن می‌شود؛ همچنین فرآیند چرخشی بتن نامیده می‌شود. (رجوع به **concrete, centrifugally cast; process, dry-cast; packerhead; process, tamp; and process, wet-cast**)

process, dry—in the manufacture of cement, the process in which the raw materials are ground, conveyed, blended, and stored in a dry condition. (See also **process, wet.**)

فرآیند خشک - در تولید سیمان، فرآیندی که در آن مواد خام آسیاب، انتقال، مخلوط و در شرایط خشک ذخیره می‌شوند. (رجوع شود به **process, wet**)

process, dry-cast—a process for producing concrete products, such as pipe, using low-frequency high-amplitude vibration to consolidate dry-mix concrete in the form. (See also **centrifugal process; process, packerhead; tamp process; process, wet-cast.**)

فرآیند خشک ریزی (کم آب) - فرآیندی برای تولید محصولات بتنی، مانند لوله، با استفاده از ارتعاش با دامنه بلند با فرکانس کم برای متراکم مخلوط خشک بتن در قالب. (رجوع به **centrifugal process; process, packerhead; tamp process; process, wet-cast**)

فرآیند کوبش خشک **process, dry-tamp**— رجوع شود به **packing, dry**

process, packerhead—a process for producing concrete pipe that uses a rotating device that forms the interior surface of the pipe as concrete is fed into the form from above. (See also **centrifugal process; process, dry-cast; tamp process; process, wet-cast.**)

فرآیند بت‌تید لوله - فرآیندی برای تولید لوله بتنی که از دستگاه چرخان (حول محور افقی) استفاده می‌کند و سطح داخلی لوله از بتنی که از بالای قالب ریخته می‌شود تشکیل می‌گردد. (رجوع شود به **centrifugal process; process, dry-cast; tamp process; process, wet-cast**)

process, tamp—a process for producing concrete products, such as pipe, that uses direct mechanical action to consolidate the concrete by the action of tampers that rise automatically as

the form is rotated and filled with concrete from above. (See also **process, centrifugal**; **process, dry-cast**; **process, packerhead**.)

فرآیند کوبش - فرآیندی برای تولید محصولات بتنی، مانند لوله، که با عمل مکانیکی مستقیم از طریق تقه زدن و میله زدن همانطور که قالب می‌چرخد، قالب از بالا طی بتن پر و متراکم میشود و بطور خودکار بالا می‌آید. (رجوع **process, dry-cast**; **process, packerhead**)

process, wet-cast—a process for producing concrete items, such as pipe, that uses concrete having a measurable slump, generally placed from above, and consolidated by vibration. (See also **centrifugal process**; **process, dry-cast**; **process, packerhead**; and **tamp process**.)

فرآیند بتن ریزی تو - فرآیندی برای تولید اقلام بتنی، مانند لوله، که از بتن با اسلامپ قابل اندازه‌گیری استفاده می‌کند که عموماً از بالا بتن در قالب ریخته می‌شود و با لرزاندن متراکم می‌شود. (رجوع شود به **process, dry-cast**; **process, packerhead**; and **tamp process**)

process, wet—in the manufacture of cement, the process in which the raw materials are ground, blended, mixed, and pumped while mixed with water; the wet process is chosen where raw materials are extremely wet and sticky which would make drying before crushing and grinding difficult. (See also **process, dry**.)

فرآیند تو - در تولید سیمان، فرآیندی که در آن مواد خام آسریب، مخلوط، هم زده، و سپس در حالی که با آب مخلوط می‌شود و پمپ می‌گردد. فرآیند تو در محل‌هایی انتخاب می‌شود که مواد خام بسریب مرطوب و چسبنده هستند که خشک کردن قبل از خرد کردن و آسریب کردن را دشوار می‌سازد. (رجوع شود به **process, dry**)

promoter— تسهیل کننده **catalyst** (preferred term) رجوع
شود به

promoter, flow—substance added to coating to enhance brushability, flow, and leveling.

تسهیل کننده روانی - ماده‌ای که به مواد پوششی (رنگ) اضافه می‌شود تا فرجه‌پذیری، قابلیت جریلن یافتن و تراز شدن را افزایش دهد.

proof stress— تنش اطمینان (از استحکام) **stress, proof** رجوع شود به

prop— پایه پشتیبان **post and shore** رجوع شود
به

proportional limit—

حد تناسب

رجوع **limit, proportional**

شود به

proportion—to select proportions of ingredients to make the most economical use of available materials to produce mortar or concrete of the required properties. (See also **mixture**.)

نسبت - انتخاب نسبت های مواد تشکیل دهنده برای اقتصادی ترین استفاده از مواد موجود برای تولید ملات های بتن با خواص مورد نیاز. (رجوع شود به **mixture**)

protected paste volume—the portion of hardened cement paste that is protected from the effects of freezing by proximity to an entrained air void. (See also **factor, Philleo** and **factor, spacing**.)

حجم خمیر محافظت شده - قسمتی از خمیر سرهمان سخت شده که با وجود حفره های حباب هوا از اثرات یخ زدگی محافظت می شود. (رجوع شود به **factor, Philleo** and **factor, spacing**)

protection period—the required time during which the concrete is maintained at or above a specific temperature to prevent freezing of the concrete or ensure the necessary strength of development.

دوره حفاظت - زمان مورد نیاز که در طی آن بتن در دمای خاص یا بالاتر از آن نگهداری می شود تا از یخ زدگی بتن جلوگیری شود و مقاومت لازم کسب شود.

proving ring—

حلقه تغییر شکل

رجوع شود به **ring, proving**

proving ring— a device for calibrating load indicators of testing machines, consisting of a calibrated elastic ring and a mechanism or device for indicating the magnitude of deformation under load.

حلقه تغییر شکل - وسیله ای برای انگ (کالیبره) نمودن نشانگرهای بار ماشین های آزمایش، متشکل از حلقه ارتجاعی انگ شده و مکانیزم یا وسیله ای برای نشان دادن مقدار تغییر شکل تحت بار.

psychrometer, sling— a psychrometer containing independently matched dry- and wet-bulb thermometers, suitably mounted for manually swinging through the ambient air, to simultaneously indicate dry- and wet-bulb temperatures.

رطوبت سنج - رطوبت سنج حاوی دماسنج های با حباب خشک و حباب مرطوب مستقل و همسان که به طور مناسب در هوا چرخانده میشود تا به طور همزمان دمای حباب خشک و حباب مرطوب را نشان دهند.

pugmill—مخلوط کن پیش ران افقی **mixer, horizontal-shaft (pt)**
رجوع شود به

pulse velocity—سرعت ضربان **velocity, pulse** رجوع شود به

pulverized-fuel ash (pfa)—پودر خاکستر سوخت **fly ash** (preferred term in the U.S) رجوع شود به

pumice—a highly porous and vesicular lava usually of relatively high silica content composed largely of glass drawn into approximately parallel or loosely entwined fibers, which themselves contain sealed vesicles.

پومیس (پوکه) - گدازه بسطار متخلخل، معمولاً حاوی مقدار سطحین نسبتاً زیاد که عمدتاً از شیشه تشکیل شده است که به مجموعه تارهای تقریباً موازی بی‌بطور آزاد در هم پیچیده شده درآمده که خود حاوی منافذ بسته هستند تشکیل شده است.

pumicite—naturally occurring finely divided pumice and glass shards.

پومیسیت (پوکه ریز) - خرده‌های پومیس با ذرات خرد شده شیشه که به طور طبیعی وجود دارند.

pump, concrete—an apparatus that forces concrete to the placing position through a pipeline or hose.

پمپ بتن - دستگاهی که بتن را از طریق یک خط لوله بی‌شلفنگ به محل بتن‌ریزی می‌ساند.

pumped concrete—بتن پمپ شده (پمپی) **concrete, pumped** رجوع شود
به

pumping (of pavements)—the ejection of water, or water and solid materials, such as clay or silt, along transverse or longitudinal joints and cracks, and along pavement edges caused by downward slab movement activated by the passage of loads over the pavement after the accumulation of free water on or in the base course, subgrade, or subbase.

پمپ شدن (در روسازی) - بیرون راندن آب و مواد جامد، مانند خاک رس و لای، در امتداد درزها و ترک های عرضی بی‌طولی، و در امتداد لبه های روسازی که در اثر حرکت دال به سمت پایین در نتیجه عبور بارها از روی آنها بوجود آمده و انباشته شدن آب آزاد بر روی بی‌در درون لایه بستر بی‌اساس.

punching shear—failure of a base or slab when a heavily loaded column punches a hole through it.

برش پانچ - گسیختگی زیر دال سطح خود دال زمانی که ستونی با بار زلزله، سوراخی در دال ایجاد می‌کند.

punching shear stress—shear stress calculated by dividing the load on the slab that is transferred to the column by the product of the perimeter and the thickness of the base or cap or by the product of the perimeter taken at 1/2 the slab thickness away from the column and the thickness of the base or cap.

تنش برشی پانچ - تنش برشی بلفرو بردن بار روی دال که توسط حاصلضرب محیط و ضخامت پای سطح سرستون به ستون منتقل می‌شود سطح با حاصلضرب محیطی که در 1/2 ضخامت دال، دور از ستون و ضخامت پای سطح سرستون، محاسبه می‌شود.

تنش برشی گود کننده - تنش برشی محاسبه شده با فرو بردن بار روی دال که توسط حاصلضرب محیط و ضخامت پایه سطح کلاهک سطح با حاصلضرب محیطی که در 1/2 ضخامت دال بجوار ستون و ضخامت پای سطح سرستون به ستون منتقل می‌شود.

punning—an obsolete term designating a light form of ramming. (See also **ramming** and **tamping**.)

با میله (تخماق) کوبیدن - واژه منسوخ شده که نشانگر نوعی با میله کوبیدن آرام است. (رجوع شود به **ramming** and **tamping**)

purlin—in roofs, a horizontal member supporting the common rafters. (See also **beam**.)

تیرچه افقی در بام شیب دار (پرلین) - در پشت بام ها، عضو افقی که بر روی خرپا یا شاه تیر قرار می‌گیرد. (رجوع شود به **beam**)

putty—a plaster composed of quicklime or hydrated lime and water with or without plaster of paris or sand.

بتونه - اندود متشکل از آهک زنده سطح آهک ه پخته و آب با سطح بدون گچ ساختمانی سطح ماسه.

pyrite—a mineral, iron disulfide (FeS_2), that, if it occurs in aggregate used in concrete, can cause popouts and dark brown or orange-colored staining.

پیت - ماده معدنی، دی سولفید آهن (FeS_2)، که اگر در سنگدانه ها ی مورد استفاده در بتن وجود داشته باشد، می تواند باعث ایجاد بیرون پدیدگی و لکه قهوه ای رنگ تیره سطح نارنجی شود.

pycnometer—a vessel for determination of specific gravity of liquids or solids.

پیکنومتر - ظرفی برای تعیین چگالی مایعات سطح جامدات.

pyrometric cone—

مخروط سنجش مقاومت حرارتی

cone, pyrometric

رجوع شود به

pyrometric-cone equivalent (PCE)—the number of that cone whose tip would touch the supporting plaque simultaneously with that of a cone of the refractory material being investigated when tested in accordance with a specified procedure such as ASTM C 24.

End P 54

معادل مخروط سنجش مقاومت حرارتی (PCE) [مخلوط پیرومتریک یا آذرسنجی] - تعدادی مخروط که نوک آنها همزمان با صفحه نگهدارنده و مخروط ماده نسوز مورد بررسی در هنگام آزمایش مطابق با روش مشخصی مانند ASTM C 24.

quality assurance—actions taken by an owner or representative to provide and document assurance that what is being done and what is being provided are in accordance with the applicable standards of good practice and following the contract documents for the work.

تضمین کیفیت - اقدامات انجام شده توسط مالک یا نماینده وی برای ارائه و مستند سازی تضمین از اینکه آنچه انجام و ارائه می شود مطابق با استانداردهای مربوطه عملکرد خوب و پیروی از اسناد قرارداد برای کار مورد نظر است.

quality control—actions taken by a producer or contractor to provide and document control over what is being done and what is being provided so that the applicable standards of good practice and the contract documents for the work are followed.

کنترل کیفیت - اقداماتی که توسط تولید کننده یا پیمانکار برای ارائه و مستند سازی کنترل بر آنچه که انجام و ارائه می شود از استانداردهای مربوطه عملکرد خوب و اسناد قرارداد برای کار پیروی می نماید.

quicklime—calcium oxide (CaO).

آهک زنده - اکسید کلسیم (CaO)

quick set—

گیرش سریع (زود هنگام)

stiffening, early (preferred

term) رجوع شود به

R-value—

مقدار R

resistance, thermal رجوع شود

به

raft foundation—

پی گسترده

foundation, raft رجوع شود به

reinforcement, rail-steel رجوع **rail-steel reinforcement**—آرماتور فولادی گرم نوردیده رطی
شود به

rake classifier—machine for separating coarse and fine particles of granular material temporarily suspended in water; the coarse particles settle to the bottom of a vessel and are scraped up an incline by a set of blades, the fine particles remaining in suspension to be carried over the edge of the classifier.

طبقه‌بندی کننده (ماسه شور) چنگکی - دستگاهی برای جدا کردن ذرات درشت و ریز مواد دانه‌ای که به طور موقت در آب معلق هستند؛ ذرات درشت در کف ظرف ته‌نشین می‌شوند و توسط مجموعه‌ای از تیغه‌ها به سمت بالا کشیده می‌شوند و ذرات ریز به حالت تعلیق باقی می‌مانند تا از روی لایه طبقه‌بندی کننده عبور نمایند.

raker—a sloping brace for a shore head.

مهاربند مایل (دستک) - مهاربند شیب دار با کلاهک شمع.

raked joint—شیارزنی شده **joint, raked** رجوع شود به

raker pile—شمع مورب (مایل) **pile, batter (preferred)**

رجوع شود به (term)

raking pile—شمع مایل **pile, batter (preferred)**

رجوع شود به (term)

ramming—a form of heavy tamping of concrete, grout, or the like by means of a blunt tool forcibly applied. (See also **pack, dry; punning; and tamping.**)

نوعی کوبیدن بتن (تخماق زنی) - نوعی کوبیدن سنگین بتن، روان ملات طی موارد مشابه با استفاده از ابزاری که بانیروی زیاد اعمال می‌شود. (رجوع شود به **(pack, dry; punning; and tamping)**)

random ashlar—سنگ بادبر نامنظم **masonry, ashlar (preferred term)**

رجوع شود به

ranger—پشت‌بند (آرماتور افقی) **wale (preferred term)** رجوع

شود به

ratio, A/F—the molar or mass ratio of aluminum oxide (Al_2O_3) to iron oxide (Fe_2O_3), as in portland cement.

نسبت A/F — نسبت مولی یا جرمی اکسید آلومینیوم (Al_2O_3) به اکسید آهن (Fe_2O_3)، در سیمان پرتلند.

ratio, aggregate-cement—the ratio of cement to total aggregate, either by mass or volume.

نسبت سنگدانه به سیمان - نسبت سیمان به کل سنگدانه، بر حسب جرم لی حجم.

ratio, Poisson's—the absolute value of the ratio of transverse (lateral) strain to the corresponding axial (longitudinal) strain resulting from uniformly distributed axial stress below the proportional limit of the material; the value will average approximately 0.2 for concrete and 0.25 for most metals.

ضریب پواسون - مقدار مطلق نسبت کرنش عرضی (جانبی) به کرنش محوری (طولی) مربوطه ناشی از تنش محوری توزیع یکنواخت زیر حد تناسب ماده؛ این مقدار برای بتن به طور متوسط 0.2 و برای بیشتر فلزات 0.25 خواهد بود.

raw mix—blend of raw materials, ground to desired fineness, correctly proportioned, and blended ready for burning; such as that used in the manufacture of cement clinker.

مخلوط خام (خوراک) - مخلوطی از مواد خام، آسیاب شده به نرمی دلخواه، با نسبت های مناسب و آماده برای پخت. مانند آنچه که در تولید کلینکر سیمان استفاده می شود.

Rayleigh wave—an ultrasonic surface wave in which the particle motion is elliptical and effective penetration is approximately one wavelength.

موج راپلی - موج سطحی فرا صوتی که در آن حرکت ذرات بهضوی است و نفوذ موثر تقریباً یک طول موج است.

reaction— واکنش

reaction, alkali-aggregate—chemical reaction in either mortar or concrete between alkalies (sodium and potassium) from portland cement or other sources and certain constituents of some aggregates; under certain conditions, deleterious expansion of concrete or mortar may result.

واکنش قلوی-سنگدانه - واکنش شیمیایی در ملات لی بتن بین مواد قلوی (سدیم و پتاسیم) از سیمان پرتلند لی سالی منابع و برخی از اجزای تشکلی دهنده بعضی از سنگدانه ها؛ تحت شرایط خاص، ممکن است به انبساط مخرّب بتن لی ملات منجر شود.

reaction, alkali-carbonate rock— واکنش قلوی-کربناته سنگ

reaction, alkali-silica—the reaction between the alkalies (sodium and potassium) in portland cement and certain siliceous rocks or minerals, such as opaline chert, strained quartz, and acidic volcanic glass, present in some aggregates; the products of the reaction may cause abnormal expansion and cracking of concrete in service.

واکنش قلعلی-سرطیسی - واکنش بین قلعلی‌ها (سدیم و پتاسیم) در سیمان پرتلند و سنگ‌ها ی‌کاری‌های سرطیسی خاص، مانند چرت اوپالین، کوارتز دگرگونی و شیشه‌های آتشفشانی اسیدی موجود در برخی سنگدانه‌ها؛ محصولات حاصل از واکنش ممکن است باعث انبساط غی‌عادی و ترک خوردن بتن در زمان بهره‌برداری شود.

reaction, endothermic—a chemical reaction that occurs with the absorption of heat.

واکنش گرماگیر - واکنش شرمطی که با جذب گرما رخ می‌دهد.

reaction, exothermic—a chemical reaction that occurs with the evolution of heat.

واکنش گرمازا - واکنش شرمطی که با آزاد سازی گرما رخ می‌دهد.

reaction, pozzolanic— **واکنش پوزولانی** **pozzolan** رجوع شود به

reaction, subgrade— **واکنش بستر** **contact pressure and coefficient of subgrade reaction** رجوع به

reactive aggregate— **سنگدانه واکنش‌زا** **aggregate, reactive** رجوع شود به

reactive silica material—several types of materials that react at high temperatures with portland cement or lime during autoclaving, includes pulverized silica, natural pozzolan, and fly ash.

مواد سرطیسی واکنش‌زا - انواع مختلفی از مواد که در دماهای زیاد با سیمان پرتلند ی‌آهک در طول اتوکلاو شدن واکنش می‌دهند، شامل سرطیس پودر شده، پوزولان طبیعی و خاکستر بادی است.

reactivity (of aggregate), alkali—susceptibility of aggregate to alkali-aggregate reaction.

واکنش زای قلعلی-سنگدانه - حساسیت سنگدانه به واکنش قلعلی - سنگدانه.

ready-mixed concrete— **بتن آماده** **concrete, ready-mixed** رجوع شود به

rebar—colloquial term for reinforcing bar. (See also **reinforcement**.)

آرماتور - واژه‌ای برای میلگرد تسلیح.

rebound—aggregate and cement, or wet shotcrete, that bounces away from the surface against which shotcrete is being projected.

برگشتی یا کمانه کردن (مصالح واریز) - سنگدانه و سیمان، طی بتن پاششی تر، که از سطحی که بتن پاششی قرار است روی آن بنشینند برگشت میکند.

rebound hammer—چکش اشمیت (چکش برجهندگی) hammer, rebound
رجوع شود به

recycled concrete—بتن بازیافتی concrete, recycled
رجوع شود به

refractories—materials, usually nonmetallic, used to withstand high temperatures.

دی‌گذازا (نسوزها) - مواد معمولاً غیرفلزی که برای مقاومت در برابر دمای زیاد استفاده می‌شوند.

refractoriness—in refractories, the property of being resistant to softening or deformation at high temperatures.

دیرگدازی (نسوزی) - در دی‌گذازاها، خاصیت مقاوم بودن در برابر نرم شدن طی تغییر شکل در دمای زیاد.

refractory—resistant to high temperatures.

نسوز - مقاوم در برابر دمای زیاد.

refractory, castable—a packaged, dry mixture of hydraulic cement, generally calcium-aluminate cement, and specially selected and proportioned refractory aggregates that, when mixed with water, will produce refractory concrete or mortar.

مواد نسوز درجاریختنی - مخلوط بسته بندی شده و خشک از سیمان هیدرولیکی، سیمان آلومینات کلسیم، و سنگدانه های نسوز بصورت ویژه با نسبت های مناسب انتخاب شده که با مخلوط شدن با آب، بتن طی ملات نسوز تولد می‌کند.

refractory, neutral—a refractory that is resistant to chemical attack by either acidic or basic substances.

نسوز خنثی - مواد دی‌گذازا که در برابر حمله شیمیایی اسیدی یا بازی مقاوم هستند.

refractory aggregate—سنگدانه نسوز (دیرگذازا) aggregate, refractory
رجوع شود به

refractory concrete—بتن نسوز (دیرگذازا) concrete, refractory
رجوع شود به

refractory-insulating concrete— بتن نسوز (دیرگداز) عایق **concrete,**

refractoryinsulating رجوع شود به

reglet—a groove in a wall to receive flashing.

شیار آبچکان - شعلری در دیوار برای قرارگرفتن درزپوش (آبچکان).

regulated-set cement— سیمان به‌گیرش تنظیم شده **cement, regulated-set** رجوع

شود به

rehabilitation—the process of repairing or modifying a structure to a desired useful condition.

(See also **preservation; repair; and restoration.**)

preservation; repair; بهسازی - فرآیند تعمیری اصلاح یک سازه تا رسیدن به شرایط مفید مطلوب. (رجوع به **restoration** (and

reinforced concrete— بتن مسلح **concrete, reinforced** رجوع

شود به

reinforced masonry— بنایی مسلح **masonry, reinforced** رجوع

شود به

reinforcement—bars, wires, strands, or other slender members that are embedded in concrete in such a manner that they and the concrete act together in resisting forces.

End P 55

آرماتور - میلگردها، سیم‌ها، رشته‌های سیمی اعضای رازک که در بتن طوری جاسازی می‌شوند تا همراه آن با هم در برابر زلزه‌ها مقاومت کنند.

reinforcement, auxiliary—in a prestressed member, any reinforcement in addition to that participating in the prestressing function.

آرماتور کمکی - در عضو پیش‌تنیده، هر گونه تقویت کننده علاوه بر آن که در عملکرد پیش‌تنیدگی شرکت می‌کند.

reinforcement, axle-steel—either plain or deformed reinforcing bars rolled from axle steel.

آرماتور فولاد محوری - میلگردهای تقویت کننده ساده یا آجدار که از فولاد-محوری نورد شده اند.

reinforcement bar— میلگرد تقویتی **reinforcement** رجوع شود به

reinforcement, cold-drawn wire—steel wire made from rods that have been hot rolled from billets cold drawn through a die; for concrete reinforcement of a diameter not less than 0.080 in. (2 mm) nor greater than 0.625 in. (16 mm).

سرم سرد کشیده شده مسلح کننده - سرم فولادی ساخته شده از میله هایی که به صورت گرم از شمش هایی نورد شده اند که از میان سوراخ به طور سرد بیرون کشیده شده اند؛ برای تقویت بتن با قطر نه کمتر از 2 میلی متر و نه بیشتر از 16 میلی متر.

reinforcement, cold-worked steel—steel bars or wires that have been rolled, twisted, or drawn at normal ambient temperatures.

آرماتور فولاد سرد نور دیده - میله ها و سیم های فولادی که در دمای معمولی محیط نورد، تابیده می کشیده شده اند.

reinforcement, compression—reinforcement designed to carry compressive stresses. (See also stress.)

آرماتور فشاری - آرماتوری که برای تحمل تنش های فشاری طراحی شده است. (رجوع شود به stress)

reinforcement, corner—metal reinforcement for plaster at reentrant corners to provide continuity between two intersecting planes; or concrete reinforcement used at wall intersections or near corners of square or rectangular openings in walls, slabs, or beams.

آرماتور گوشه - آرماتور فلزی برای اندود در گوشه های برگشتی برای ایجاد پیوستگی بین دو صفحه متقاطع؛ می آرماتور بتنی که در تقاطع دیوارها میله های باز شوهای مربع می مستطیل شکل در دیوارها، دال ها میله ها استفاده می شود.

reinforcement, crack-control—reinforcement in concrete construction designed to minimize opening of cracks, often effective in limiting them to uniformly distributed small cracks.

آرماتور کنترل ترک - آرماتور در سازه بتنی که برای به حداقل رساندن باز شدن ترک ها طراحی شده است و اغلب در محدود کردن آنها به ترک های کوچک با توزیع یکنواخت موثر است.

reinforcement, curtain—a mat of orthogonal reinforcing steel in a member such as a wall; known as a double curtain (of reinforcement) when a mat is at each face.

شبکه آرماتور سفره ای - سفره حاوی میله های فولادی متعامد در عضوی مانند دیوار؛ هنگامی که یک لایه سفره در هر وجه دیوار باشد به عنوان سفره دوگانه (آرماتور) اتلاق می شود.

reinforcement, deformed—metal bars, wire, or fabric with a manufactured pattern of surface ridges that provide a locking anchorage with surrounding concrete.

آرماتور آجدار — میلگرد، سیم یا میله فلزی با الگوی مشخص از برآمدگی‌های سطحی که برای کاهش لغزش و افزایش مقاومت درگیری در بتن مجاور است.

reinforcement, distribution-bar—small diameter bars, usually at right angles to the main reinforcement, intended to spread a concentrated load on a slab and to prevent cracking.

آرماتور توزیع - م‌ط‌گردهای با قطر کوچک، معمولاً در زوایای قائمه نسبت به آرماتور اصلی، به منظور پخش بار متمرکز بر روی دال و جلوگیری از ترک خوردگی.

reinforcement, dowel-bar—**دال** راجوع **dowel** آرماتور اتصال (انتظار) —
شود به

reinforcement, edge-bar—tension steel sometimes used to strengthen otherwise inadequate edges in a slab without resorting to edge thickening.

آرماتور لبه — فولاد کششی که گاهی اوقات برای تقویت لبه‌های نامناسب در یک دال بدون استفاده از ضخیم شدن لبه استفاده می‌شود.

reinforcement, expanded-metal fabric—**رابطیس تقویتی** **lath, expanded-metal** راجوع به **metal**

reinforcement, four-way—a system of reinforcement in flat-slab construction comprising bands of bars parallel to two adjacent edges and also to both diagonals of a rectangular slab.

آرماتور تقویتی چهار جهته - سامانه‌ای از تقویت در ساخت دال مسطح شامل نوارهایی از م‌ط‌گردهای موازی با دو لبه مجاور و همچنین موازی با هر دو قطر دال مستطیلی.

heavy-edge reinforcement—wire-fabric reinforcement for highway pavement slabs having one to four edge wires heavier than the other longitudinal wires.

آرماتور فشرده لبه - آرماتوری از سیم‌های بهم بافته برای دال‌های روسازی بزرگراه که یک تا چهار سیم لبه ضخیم‌تر از سیم‌های طولی دیگر هستند.

reinforcement, helical—steel reinforcement of hotrolled bar or cold-drawn wire fabricated into a helix (more commonly known as spiral reinforcement).

آرماتور دورگیر - آرماتور فولادی از م‌ط‌گرد گرم نورد شده سیم‌سرد کشیده شده به صورت مارپیچ (که معمولاً به عنوان آرماتور مارپیچی شناخته می‌شود).

reinforcement, high-strength—
strength رجوع شود به

آرماتور با مقاومت زیاد

steel, high-

reinforcement, hoop—a one-piece closed tie or continuously wound tie not less than No. 3 in size, the ends of which have a standard 135 degree bend with a ten-bar diameter extension, that encloses the longitudinal reinforcement.

آرماتور دورگیر - حلقه یک تکه بسته ی کش دورگیر به پیچیده یک تکه به دور آرماتور طولی با اندازه 10 میلیمتر که دو انتهای آن دارای خم استاندارد 135 درجه با قطر ده برابر میلگرد خم شده است که آرماتور طولی را در بر می گیرد.

reinforcement, lateral—transverse reinforcement, usually applied to ties, hoops, and spirals in columns or column-like members.

آرماتور جانبی - آرماتور عرضی که معمولاً به کش ها، خاموت ها و دورگیرهای ستونی ی اعضای ستون-مانند اعمال می شود.

reinforcement, longitudinal—reinforcement parallel to the length of a concrete member or pavement.

آرماتور طولی - آرماتور موازی با طول عضو بتنی ی روسازی.

reinforcement, mesh—
fabric رجوع به

شبکه آرماتور

welded-wire and reinforcement, welded-wire

reinforcement, negative—steel reinforcement for negative moment.

آرماتور منفی - آرماتور فولادی برای گشتاور منفی.

reinforcement, nonprestressed—reinforcing steel, not subjected to either pretensioning or post-tensioning.

آرماتور غیر پیش تنیده - آرماتور فولادی غیر پیش تنیده، که در معرض پیش کشیدگی ی پس کشیدگی قرار نمی گیرد.

reinforcement, nonstructural—
temperature رجوع شود به

آرماتور غیر سازه ای

reinforcement,

reinforcement, positive—reinforcement for positive moment.

آرماتور مثبت - آرماتور برای گشتاور مثبت.

reinforcement, rail-steel—reinforcing bars hot-rolled from standard T-section rails.

آرماتور فولادی گرم‌نورد شده - م‌ی‌گردهای حاصل از نورد گرم رل‌ی‌های استاندارد با مقطع T.

reinforcement, shear—reinforcement designed to resist shear or diagonal tension stresses. (See also **dowel**.)

آرماتور برشی - آرماتورهایی که برای مقاومت در برابر تنش‌های برشی‌ی تنش‌های کششی‌ی مورب طراحی شده‌اند. (رجوع شود به **dowel**)

reinforcement, shrinkage—reinforcement designed to resist shrinkage stresses in concrete.

آرماتور جمع‌شدگی - آرماتورهایی که برای مقاومت در برابر تنش‌های جمع‌شدگی در بتن طراحی شده‌اند.

reinforcement, spiral—continuously wound reinforcement in the form of a cylindrical helix. (See also **reinforcement, helical**.)

آرماتور دورپیچ - آرماتور پیوسته به شکل مارپیچ استوانه‌ای. (رجوع شود به **reinforcement, helical**)

reinforcement, temperature—reinforcement designed to carry stresses resulting from temperature changes; also the minimum reinforcement for areas of members that are not subjected to primary stresses or necessarily to temperature stresses.

آرماتور حرارتی - آرماتور طراحی شده برای تحمل تنش‌های ناشی از تغییرات دما؛ همچنین حداقل آرماتور برای نواحی اعضایی که تحت تنش‌های اولیه‌ی الزامات تنش‌های دمایی نیستند.

reinforcement, tension—reinforcement designed to carry tensile stresses such as those in the bottom of a simple beam.

آرماتور کششی - آرماتورهایی که برای تحمل تنش‌های کششی مانند تنش‌های زیرین‌ی ساده طراحی شده‌اند.

reinforcement, transverse—reinforcement at right angles to the longitudinal reinforcement.

آرماتور عرضی - آرماتور عمود بر آرماتور طولی.

reinforcement, twin-twisted bar—two bars of the same nominal diameter twisted together.

آرماتور م‌ی‌گرد دوقلو تابیده - دو م‌ی‌گرد با قطر اسمی یکسان که به هم پیچیده شده‌اند.

reinforcement, two-way—reinforcement arranged in bands of bars at right angles to each other.

آرماتور دو طرفه - آرماتورهایی که در نوارهایی با زوایای قائم به یکدیگر چیده شده‌اند.

reinforcement, web—reinforcement placed in a concrete member to resist shear and diagonal tension.

آرماتور جان - آرماتورهای تعبیه شده در عضو بتنی برای مقاومت در برابر برش و کشش قطری.

reinforcement, welded—reinforcement joined together by welding.

آرماتور جوش شده - آرماتورهایی که با جوشکاری به یکدیگر متصل می شوند.

reinforcement, welded-wire fabric—welded-wire fabric in either sheets or rolls, used to reinforce concrete.

شبکه سیمی جوش شده - سیم جوشی شبکه ای آماده به صورت ورق ط توب، که برای تقویت بتن استفاده می شود.

reinforcement, woven-wire— **fabric, welded-wire** (preferred term) **شبكة سیمی بافته** رجوع شود به (term)

reinforcement displacement—movement of reinforcing steel from its specified position in the forms.

جابجایی آرماتور - حرکت آرماتور فولادی از محل تعیین شده خود در قالبها.

reinforcement ratio—ratio of the effective area of the reinforcement to the effective area of the concrete at any section of a structural member. (See also **percentage of reinforcement**.)

percentage **نسبت آرماتور** - نسبت مساحت موثر آرماتور به سطح مؤثر بتن در هر مقطع از عضو سازه. (رجوع به **(of reinforcement)**)

relative humidity—the ratio of the quantity of water vapor actually present to the amount present in a saturated atmosphere at a given temperature; expressed as a percentage.

End P 56

رطوبت نسبی - نسبت مقدار واقعی بخار آب موجود در محیط به مقدار بخار اشباع شده در اتمسفر در دمای معین؛ بطور درصدی بیان می شود.

release agent— **agent, release** **ماده رهاساز** رجوع شود به

release, partial—release into a prestressed-concrete member of a portion of the total prestress initially held wholly in the prestressed reinforcement.

آزاد سازی جزئی - رهاسازی در عضو بتنی پیش‌ترتیب از بخشی از کل پیش‌ترتیبی که در ابتدا بطور کامل در آرماتور پیش‌ترتیب تحمل می‌شد.

remoldability—the readiness with which freshly mixed concrete responds to a remolding effort such as jiggling or vibration, causing it to reshape its mass around reinforcement and to conform to the shape of the form. (See also **flow**.)

قابلیت قالب‌گیری مجدد - آمادگی بتن تازه مخلوط شده برای عمل قالب‌گیری مجدد به‌تازگی زدن یا لرزاندن، که باعث می‌شود توده بتن در اطراف آرماتور جا بگیرد و خود را با شکل قالب مطابقت دهد.

remolding test— آزمایش قابلیت شکل‌گیری مجدد **test,**
remoldability رجوع شود به

render—to apply a coat of mortar by a trowel or float.

اندود - اجرای لایه ملات با کچله یا ماله.

repair—to replace or correct deteriorated, damaged, or faulty materials, components, or elements of a structure.

(See also **preservation; rehabilitation; restoration**.)

تعمیر (ترمیم) - جایگزینی یا اصلاح مواد، اجزا یا اعضاء خراب، آسیب دیده یا معیوب در سازه. (رجوع به **(rehabilitation; restoration)**)

repeatability—variability among replicate test results obtained on the same material within a single laboratory by one operator; a quantity that will be exceeded in only about 5% of the repetitions by the difference, taken in absolute value, of two randomly selected test results obtained in the same laboratory on a given material; in use of the term, variable factors should be specified.

تکرارپذیری - تغییرپذیری در بین نتایج آزمایش تکراری بدست آمده بر روی یک ماده معین در یک آزمایشگاه و توسط یک آزمایشگر؛ مقداری که تنها در حدود 5% از آزمایش‌های تکراری نتیجه دو آزمایش انتخاب شده تصادفی که در یک آزمایشگاه بر روی یک ماده معین به دست می‌آید، در مقدار مطلق بیش از آن اختلاف داشته باشد. در استفاده از این اصطلاح، عوامل متغیر بای مشخص شود.

repost— شمع گذاری مجدد **reshoring** رجوع شود به

reproducibility—variability among replicate test results obtained on the same material in different laboratories; a quantity that will be exceeded in only approximately 5% of the repetitions by the difference, taken in absolute value, of two single test results made on the same material in two different, randomly selected laboratories; in use of the term, variable factors should be specified.

تجدید پذیری - تغییر پذیری در نتایج آزمایش های به عمل آمده بر روی یک ماده معین در آزمایشگاه های مختلف؛ مقداری که بر حسب مقدار مطلق فقط در حدود 5% از آن فراتر می رود یا بیش از آن اختلاف داشته باشد، اختلاف در آزمایش های تکراری، نتیجه دو آزمایش منفرد که بر روی ماده معین در دو آزمایشگاه مختلف که به طور تصادفی انتخاب شده نسبت به یک ماده ایجاد شده است؛ در در استفاده از این اصطلاح، عوامل متغیر بای مشخص شود.

required strength— **مقاومت مورد نیاز** **strength, required** رجوع شود به

resetting (of forms)—setting of forms separately for each successive lift of a wall to avoid offsets at construction joints.

تنظیم مجدد (قالب ها) - تنظیم قالب ها به طور جداگانه برای هر نوبت بتن ریزی متوالی در دیوار برای جلوگیری از انحراف در درزهای ساختمانی.

reshoring—the construction operation in which the original shoring or posting is removed and replaced in such a manner as to avoid deflection of the shored element or damage to partially cured concrete; the practice of transferring a business operation that was moved overseas back to the country from which it was originally relocated.

شمع بندی مجدد - عملیات اجرایی که در آن شمع های ستون های اصلی قالب بندی برداشته شده و به گونه ای برداشته میشوند و دومرتبه قرار داده میشوند که از خیز در قطعات قالب ها میسر به بتن ریزه عمل آمده جلوگیری شود.

residual deformation— **تغییر شکل پسماند** **creep, nonrecoverable resin concrete** رجوع شود به

resilience—the work done per unit volume of a material in producing strain.

برجهدگی (واجهندگی) - کار انجام شده به ازاء واحد حجم یک ماده در ایجاد کرنش.

resin—a natural or synthetic, solid or semisolid, organic material of indefinite and often high molecular weight having a tendency to flow under stress, usually has a softening or melting range, and usually fractures conchoidally.

رزین - ماده طبیعی یا مصنوعی، جامد یا نیمه جامد، ماده آلی با وزن مولکولی نامشخص و اغلب زیاد که تحت تنش، تمایل به جریان یافتن دارد و معمولاً دارای محدوده نرم شدگی یا ذوب شدن است و عموماً به صورت مخروطی می‌شکند.

resin, acrylic—one of a group of thermoplastic resins formed by polymerization the esters or amides of acrylic acid used to make polymer-modified concrete and polymer concretes; also used in concrete construction as a bonding agent, surface sealer, or an integral concrete component.

اکریلیک رزین - یکی از گروهی از رزین‌های گرمانرم که از بس پارسازی استرها یا آمیدهای اسید اکریلیک که برای ساخت بتن اصلاح‌شده با پلیمر و بتن پلیمری تشکیل می‌شوند؛ در ساخت بتنی به عنوان عامل پیوند، آب‌بند کننده سطحی یا جزء جدایی ناپذیری از بتن نیز استفاده می‌شود.

resin, phenolic—a class of synthetic, oil-soluble resins (plastics) produced as condensation products of phenol, substituted phenols and formaldehyde, or some similar aldehyde that may be used in paints for concrete.

فنولیک رزین - نوعی از رزین‌های مصنوعی و محلول در روغن (پلاستیک‌ها) که به عنوان محصولات تغلیظ فنل، فنل‌های جایگزینی و فرمالدهیدهای مشابه تولید می‌شوند که ممکن است در رنگ آمیزی بتن استفاده شود.

resin, polystyrene—synthetic resins, varying from colorless to yellow, formed by the polymerizing of styrene on heating with or without catalysts, that may be used in paints for concrete, or for making sculptured molds, or as insulation.

پلی‌استایرن رزین - رزین‌های مصنوعی، متفاوت از بی رنگ تا زرد تغییر میکند، که از بس پارسازی استایرن در حرارت دادن با یا بدون کاتالیزور تشکیل می‌شود، که ممکن است در رنگ‌ها یا بتن برای ساخت قالب‌های مجسمه سازی یا به عنوان عایق استفاده شود.

resin concrete —	بتن رزینی	concrete, polymer (preferred term)
رجوع شود به		
resin mortar —	ملات رزینی	concrete, polymer رجوع شود به

resins, epoxy—a class of organic chemical bonding systems used in the preparation of special coatings or adhesives for concrete or as binders in epoxy-resin mortars and concretes.

رزین‌های اپوکسی - دسته‌ای از سیستم‌های پیوند شیمیایی آلی که در تهیه پوشش‌های چسب‌های مخصوص بتن یا به عنوان چسب در ملات‌ها و بتن‌ها یا ملات‌های رزینی استفاده می‌شوند.

resistance refractory aggregate— **سنگدانه نسوز مقاومتی** see **aggregate**, **refractory** رجوع شود به

resistance, abrasion—ability of a surface to resist being worn away by rubbing and friction.

مقاومت سایشی - توانایی یک سطح برای مقاومت در برابر ساییدگی در اثر سایش و اصطکاک.

resistance, fire—the property of a material or assembly to withstand fire or give protection from it; as applied to elements of buildings, it is characterized by the ability to confine a fire or, when exposed to fire, to continue to perform a given structural function, or both.

مقاومت در برابر آتش - خاصیت ماده یا مجموعه برای مقاومت در برابر آتش یا محافظت در برابر آن؛ آنطور که در مورد اعضاء ساختمان بکار برده می‌شود، با توانایی محدود کردن آتش یا در هنگام قرار گرفتن در معرض آتش، برای ادامه انجام عملکرد سازه‌ای معین یا هر دو مشخص می‌شود.

resistance, penetration—the resistance, usually expressed in lb/in.² (psi) or megapascals (MPa), of either mortar or cement paste to penetration by a plunger or needle under standard conditions, such as to determine time of setting.

مقاومت در برابر نفوذ - مقاومتی که برای ملات یا خمیر سیمان در برابر نفوذ پیستون یا سوزن تحت شرایط استاندارد، معمولاً بر حسب مگا پاسکال (MPa) بیان می‌شود، مانند تعیین زمان گیش.

resistance, skid—a measure of the frictional characteristics of a surface.

مقاومت لغزشی - معطری از ویژگی‌های اصطکاکی سطح.

resistance, sulfate—ability of concrete or mortar to withstand sulfate attack. (See also **sulfate attack**.)

مقاومت در برابر سولفات‌ها - توانایی بتن یا ملات برای مقاومت در برابر حمله سولفات‌ها. (رجوع شود به **sulfate attack**)

resistance, thermal—the reciprocal of thermal conductance expressed by the symbol *R*.

مقاومت حرارتی – در مقابل هدایت حرارتی که با نماد R بیان می شود.

restoration—the process of re-establishing the materials, form, and appearance of a structure to those of a particular era of the structure. (See also **preservation**; **rehabilitation**; and **repair**.)

بازسازی - فرآیند بازگرداندن مصالح، شکل و ظاهر یا نمای سازه به ساختار یک دوره خاص. (رجوع به **(rehabilitation; repair)**)

restraint (of concrete)—restriction of free movement of fresh or hardened concrete following completion of placing in formwork or molds or within an otherwise confined space; restraint can be internal or external and may act in one or more directions.

قید (بتن) - محدودیت حرکت آزاد بتن تازه پس از پایان بتن ریزی در قالب‌ها یا در فضای محدود دیگری؛ مهار می‌تواند داخلی یا خارجی باشد و یا در یک یا چند جهت عمل کند.

retardation—reduction in the rate of either hardening, setting, or both, that is, an increase in the time required to reach time of initial and final setting or to develop early strength of fresh concrete, mortar, or grout. (See also **retarder**.)

تاخیر (کندگیر کنندگی) - کاهش در روند سخت شدن، گشایش یا هر دو، یعنی افزایش زمان لازم برای رسیدن به زمان گشایش اولیه (زودرس) و نهایی یا ایجاد مقاومت اولیه بتن تازه، ملات یا روان ملات. (رجوع شود به **retarder**)

retarder—an admixture that delays the setting of cement paste and mixtures, such as mortar or concrete, containing cement. (See also **admixture**, **retarding**.)

کندگیر (دیرگیر) - مواد افزودنی که گشایش خمیر سیمان و مخلوط‌هایی مانند ملات یا بتن حاوی سیمان را به تاخیر می‌اندازد. (رجوع شود به **(admixture, retarding)**)

retarder, surface—a retarder applied to the contact surface of a form or to the surface of newly placed concrete to delay setting of the cement, to facilitate construction joint cleanup, or to facilitate production of exposed-aggregate finish.

کندگیر کننده سطحی - کندگیر کننده‌ای که بر روی سطح تماس قالب یا سطح بتن تازه برای به تاخیر انداختن گشایش سیمان، تسهیل پاکسازی درزهای ساختمانی، یا تسهیل اجرای پرداخت با سنگدانه‌های نمایان اعمال می‌شود.

retarding admixture— ماده افزودنی کندگیر کننده **admixture, retarding** رجوع شود به

retemper—to add water and remix concrete or mortar to restore workability to a condition in which the mixture is placeable or usable. (See also **temper**.)

End P 57

احیای ملات (بازآمیختن) - اضافه کردن آب و مخلوط کردن مجدد بتن طی ملات برای بازگرداندن کارایی به شرایطی که مخلوط قابل جای دهی طی استفاده باشد. (رجوع شود به **temper**)

ring, air—perforated manifold in nozzle of wet-mix shotcrete equipment through which high pressure air is introduced into the material flow.

حلقه هوا - لوله‌های بهم متصل سوراخ‌دار در افشانک بتن پاشی تر با هوای پرفشار از طریق آن حلقه مواد جرطین مواد جریان می‌یابد.

ring, proving—a device for calibrating load indicators of testing machines, consisting of a calibrated elastic ring and a mechanism or device for indicating the magnitude of deformation under load.

حلقه تغییر شکل - وسیله‌ای برای انگ نمودن نشانگرهای بار دستگاه‌های بارگذاری، متشکل از حلقه ارتجاعی انگ و مکانیزم طی وسیله‌ای برای نشان دادن مقدار تغییر شکل واقعی تحت بار.

rock pocket—a porous, mortar-deficient portion of hardened concrete consisting primarily of coarse aggregate and open voids; caused by leakage of mortar from the form, separation (segregation) during placement, or insufficient consolidation. (See also **honeycomb**.)

حفره کرمو - بخش متخلخل و کم ملات بتن سخت شده که عمدتاً از سنگدانه‌ها ی درشت و حفره‌های باز تشکلی شده است؛ ناشی از نشت ملات از قالب، جدا شدگی در حین بت‌ریزی، طی تراکم ناکافی. (رجوع شود به **honeycomb**)

rod—sharp-edged cutting screed used to trim shotcrete to forms or ground wires. (See also **screed**.)

م‌طه‌های استادکار راهنما - نوار (تیغه) برش لبه بتن که برای هدایت بتن پاششی به قالب‌ها طی س‌م‌طه‌های کاشته شده روی زمین استفاده می‌شود. (رجوع شود به **screed**)

rod, dowel—**دowel (preferred term)**
میل اتصال (انتظار)
رجوع شود به

rod, pencil—plain metal rod of about 1/4 in. (6 mm) diameter.

م‌طه مدادی - م‌طه فلزی ساده با قطر حدود 6 م‌م‌م‌تر.

rod, tamping—a straight steel rod of circular cross-section and having one or both ends rounded to a hemispherical tip.

م‌طه کوبش (تخماق میله‌ای) - م‌طه فولادی صاف با سطح مقطع دایره‌ای که یک‌ی هر دو سر آن به صورت نیم‌کره گرد شده است.

rod, tie— میله کلاف tie, form and tieback رجوع شود به

rodability—the susceptibility of fresh concrete or mortar to consolidation by means of a tamping rod.

م‌طه‌خوری - حساسیت بتن تازه طی‌ملات به بتواکم با استفاده از م‌طه کوبش.

rod buster (colloquial)—one who installs reinforcement for concrete.

آرماتوربند - کسری که آرماتور برای بتن نصب می‌کند.

rodding—consolidation of concrete by means of a tamping rod. (See also **rod**; **rodability**; and **tamping**.)

م‌طه زنی - بتواکم بتن با استفاده از م‌طه کوبنده.

rodding, dry—in measurement of the mass per unit volume of coarse aggregates, the process of consolidating dry material in a calibrated container by rodding under standardized conditions.

با م‌طه کوبیدن خشک - سنجشی از جرم در واحد حجم سنگدانه‌های درشت، فرآیند متراکم نمودن مواد خشک در ظرف کالیبره شده با استفاده از م‌طه (کوبی) در شرایط استاندارد.

rod mill— آسیاب میله‌ای mill, rod رجوع شود به

roller-compacted concrete— بتن غلتکی concrete, roller-compacted

رجوع شود به

roller compaction—a process for compacting concrete using a roller, often a vibratory roller.

تراکم غلتکی - فرآیندی برای تراکم بتن با استفاده از غلتک، اغلب غلتک ارتعاشی.

rolling—the use of heavy metal or stone rollers on terrazzo topping to extract excess matrix.

غلتک زنی - استفاده از غلتک‌های فلزی طی‌سنگی روی رویه موزائیک سیمانی برای خارج نمودن خمیره اضافی.

Roman cement—سیمان رومی **cement, Roman** رجوع شود
به

roof, barrel-vault—a thin concrete roof in the form of a part of a cylinder.

طاق قوسی (رومی) - بام بتنی نازک به شکل بخشی از یک استوانه.

roof insulation—عایق بام **insulation, roof** رجوع شود به

room, fog—اتاق مه **moist room** (preferred term)
رجوع شود به

Rosiwal method—روش رُزی وال **linear-traverse method** رجوع شود به

rotary float (also called power float)—ماله چرخشی (ماله برقی نیز نامیده میشود) **float, rotary** رجوع شود به

rotary kiln—کوره گردنده **kiln, rotary** رجوع شود به

rough grind—the initial operation in which coarse abrasives are used to reduce the projecting stone chips in hardened terrazzo down to a level surface.

ساب اولیه (خشن) - عملیات اولیه ای که در آن از ساینده های درشت برای کاهش اندازه تراشه های سنگی بیرون زده در موزائیک سیمانی سخت شده را بصورت سطحی هموار درآورد.

rout—to deepen and widen a crack to prepare it for patching or sealing.

شیارزنی - عمیق کردن و گشاد کردن درز برای آماده کردن آن برای وصله کاری ط آب بندی.

rub brick—آجر ساب **brick, rubbing** (preferred term)
رجوع شود به

rubbing brick—آجر سابکاری **brick, rubbing** رجوع شود به

rubbed finish—پرداخت سابکاری شده **finish, rubbed** رجوع شود به

rubber set— **گیرش کاذب** **set, false** (preferred term) رجوع
شود به

rubble—rough stones of irregular shape and size, broken from larger masses by geological processes or by quarrying; concrete reduced to irregular fragments, as by demolition or natural catastrophe.

لاشه سنگ – سنگ‌های ناهموار با شکل و اندازه نامنظم که توسط فرآیندهای زمین‌شناسی یا استخراج معادن از توده‌های بزرگتر شکسته شده‌اند؛ مانند تخریب یا حوادث طبیعی، بتن به قطعات نامنظم تبدیل می‌شود.

rubble concrete— **بتن لاشه‌سنگی (قلوه سنگی)** **concrete, rubble**
رجوع شود به

runway—decking over the area of concrete placement, usually of movable panels and supports, on which buggies of concrete travel to points of placement.

راهرو قالب – تخته کوبی کف روی منطقه بتن‌ریزی، معمولاً از پانل‌ها و تکیه‌گاه‌های متحرک، که روی آن فرغون‌های بتن به نقاط بتن‌ریزی می‌روند.

rupture modulus— **ضریب گسیختگی** **modulus of rupture** رجوع
شود به

rupture strength— **مقاومت گسیختگی** **modulus of rupture** رجوع شود
به

rustic or washed finish— **پرداخت شسته** **finish, rustic or washed**
رجوع شود به

rustication—a groove in a concrete surface.

شیارزنی - شعلری در سطح بتن.

rustication strip— **زهوار قالب** **strip, rustication** رجوع شود به

sack— **کیسه** **bag (of cement)** (preferred term)
رجوع شود به

sack rub—a finish for formed concrete surfaces, designed to produce even texture and fill pits and air holes; after dampening the surface, mortar is rubbed over the surface, then, before the surface dries, a mixture of dry cement and sand is rubbed over it with either a wad of burlap or a sponge-rubber float to remove surplus mortar and fill voids. (See also **surface air voids** and **finish, rubbed**.)

گونی‌کشی (پرداخت گونی‌کشیده) - پرداختی برای سطوح بتنی شکل گرفته، طراحی شده برای ایجاد بافتی یکنواخت و پرکردن فرورفتگی‌ها و سوراخ‌های سطحی هوا؛ پس از مرطوب کردن سطح بتن شمشه‌کشی شده، ملات، روی آن مالیده می‌شود، سپس قبل از خشک شدن سطح، مخلوطی از سرهمان خشک و ماسه را با تکه‌ای گونی ط‌ماله اسفنجی روی آن می‌مالند تا ملات اضافی از برداشته شود و فضاهای خالی پُر شود.

safe leg load—

بار ایمن پایه داربست

load, safe leg

رجوع شود به

sagging

شکم دادگی (فرورفتگی)

sloughing (pt)

رجوع شود به

salamander—a portable source of heat, customarily oilburning, used to heat an enclosure around or over newly placed concrete to prevent the concrete from freezing.

بخاری دستی‌گی آذرتش (والور) - منبع گرمایی قابل حمل که معمولاً نفت سوز است، برای گرم کردن محوطه اطراف ط‌روی بتن تازه تا از یخ زدن آن جلوگیری شود.

sample—either a group of units or portion of material taken, respectively, from a larger collection of units or a larger quantity of material, that serves to provide information that can be used as a basis for action on the larger collection or quantity or on the production process; the term is also used in the sense of a sample of observations.

نمونه - گروهی از واحدها ط‌بخشی از مواد که به ترتیب از مجموعه بزرگتری از واحدها ط‌مقدار بیشتری از مواد گرفته شده است، برای ارائه اطلاعاتی که می‌تواند به عنوان مبنایی برای اقدام در مجموعه ط‌مقدار بزرگتر ط‌در مورد فرآیند تولید استفاده شود؛ این واژه به معنای نمونه‌ای از مشاهدات زنی به کار می‌رود.

sample, composite—sample obtained by blending two or more individual samples of a material.

نمونه مرکب - نمونه‌ای که از ترکیب دو ط‌چند نمونه جداگانه از یک ماده به دست می‌آید.

sampling, continuous—sampling without interruptions throughout an operation or for a predetermined time.

نمونه برداری پیوسته - نمونه برداری بدون وقفه در طول عملیات طی در زمان از پیش تعیین شده.

sampling, intermittent—sampling successively for limited periods of time throughout an operation or for a predetermined period of time; the duration of sampling periods and the intervals are not necessarily regular and are not specified.

نمونه برداری متناوب - نمونه برداری متوالی برای دوره های زمانی محدود در طول عملیات طی در دوره زمانی از پیش تعیین شده؛ طول دوره های نمونه برداری و فواصل زمانی لزوماً منظم و مشخص نیستند.

sampling plan— برنامه نمونه گیری

1. a procedure that specifies the number of units of product from a lot that is to be inspected to establish acceptability of the lot; and

1. روشی که تعداد نمونه برداری از محصول جدید مجموعه را مشخص می کند که بایستی بررسی شود تا موید قابل قبول بودن مجموعه باشد. و

2. a prearranged program stipulating locations and procedures for securing samples of a material for testing purposes, for example, as concrete in construction or aggregates in a quarry, pit, or stockpile.

2. برنامه از پیش تعیین شده که مکان ها و روش هایی را برای بدست آوردن نمونه های ماده معین برای مقاصد آزمایشی را تعیین می کند، برای مثال، بتن مورد استفاده در ساخت طسنگدانه ها در معدن، گودال، طانبار.

sand— ماسه

Note: the definitions are alternatives to be applied under differing circumstances. Definition 1 is applied to an entire aggregate either in a natural condition or after processing. Definition 2 is applied to a portion of an aggregate. Requirements for properties and grading should be stated in the specifications. Fine aggregate produced by crushing rock, gravel, or slag is commonly known as manufactured sand.

End P 58

توجه: تعاریف مجموعه واژه هایی هستند که در شرایط مختلف قابل جایگزینی می باشند. تعریف 1 به کل یک مجموعه سنگدانه در شرایط طبیعی طی پس از فراوری آنها اعمال می شود. تعریف 2 برای بخشی از یک مجموعه اعمال می شود. الزامات مربوط به خواص و دارع بندی بایستی در مشخصات ذکر شود. سنگدانه های ریز تولید شده از خرد کردن سنگ، شن طی سرباره، معمولاً به عنوان ماسه تولیدی شناخته می شوند.

پایان ص 58

sand, graded standard—
standard رجوع شود به

ماسه استاندارد دانه بندی شده

sand,

sand, manufactured—
رجوع شود به

ماسه شکسته

sand

sand, natural—sand resulting from natural disintegration and abrasion of rock. (See also **sand, aggregate, fine**.)

ماسه طبیعی - ماسه ناشی از تجزیه طبیعی و سایش سنگ. (رجوع شود به **and** and **aggregate, fine**)

sand, sharp—coarse sand consisting of particles of angular shape.

ماسه بتن گوشه (شکسته) - ماسه درشت متشکل از ذرات تیز گوشه.

sand, standard—silica sand, composed almost entirely of naturally rounded grains of nearly pure quartz, used for preparing mortars in the testing of hydraulic cements.

ماسه استاندارد - ماسه سیلیسی که تقریباً به طور کامل از دانه های گرد گوشه طبیعی کوارتز تقریباً خالص تشکیل شده است که برای تهیه ملات در آزمایش سیمان های هیدرولیکی استفاده می شود.

Note: standard sand is produced in two gradings.

توجه: ماسه استاندارد در دو دانه بندی تولید می شود.

sand, stone—fine aggregate resulting from the mechanical crushing and processing of rock. (See also **aggregate, fine** and **sand**.)

ماسه سنگ - سنگدانه های ریز حاصل از خرد کردن و فراوری مکانیکی (مرتب کردن اندازه های) سنگ.

sandblast—a system of cutting or abrading a surface such as concrete by a stream of sand ejected from a nozzle at high speed by compressed air; often used for cleanup of horizontal construction joints or for exposure of aggregate in architectural concrete.

ماسه پاشی (سند بلست) - سیستم برش و سایش سطحی چون بتن توسط جرّاری از ماسه که با سرعت زیاد توسط هوای پرفشار از افشانک خارج می شود؛ اغلب برای تمیز کردن درزهای ساختمانی افقی برای نمایان شدن سنگدانه ها در بتن معماری استفاده می شود.

sand box (or sand jack)—a tight box filled with clean, dry, sand on which rests a tight-fitting timber plunger that supports the bottom of posts used in centering; removal of a plug from a hole

near the bottom of the box permits the sand to run out when it is necessary to lower the centering.

جعبه ماسه (جک ماسه‌ای) - جعبه محکم بسته‌ای که با ماسه تم ری و خشک پر شده است و روی آن یک قطعه الوار بصورت پیستون قرار گرفته است که پایه‌های چوبی را تحمل می‌کند. با برداشتن درپوش از سوراخی در نزدیکی کف جعبه، ماسه خارج میشود و در نتیجه شمع چوب پیستون پایین میرود.

sand-coarse aggregate ratio—ratio of fine-to-coarse aggregate in a batch of concrete, by mass or by volume.

نسبت ماسه به سنگدانه درشت - نسبت سنگدانه ری به سنگدانه درشت در پیمان بتن، بر حسب جرم یا حجم.

sand equivalent—a measure of the relative proportions of detrimental fine dust, claylike material or both in soils or fine aggregate.

هم‌ارز ماسه ای - سنجشی از نسبت‌های نسبی اختلاط گرد و غبار ری مضر، مواد رس-مانند ری هر دو در خاک یا سنگدانه های ری.

sand jack— **جک ماسه‌ای** **sand box** رجوع شود به

sand-lightweight concrete— **بتن سبک ماسه دار (نیمه سبکدانه)** **concrete, sand-lightweight** رجوع شود به

sand-lime brick— **آجر ماسه آهکی** **brick, calcium-silicate** (preferred term) رجوع شود به

sand plate—a flat steel plate or strip welded to the legs of bar supports for use on compacted soil.

صفحه ماسه‌ای - صفحه فولادی تخت ری نوار که به پایه های تکیه گاه های آرماتورها برای استفاده روی خاک متراکم جوش داده شده است.

sand pocket—a zone in concrete or mortar containing fine aggregate with little or no cement.

حفره ماسه ای - منطقه ای در بتن یا ملات حاوی سنگدانه های ری با سرهمان کم یا بدون سرهمان.

sand streak—a streak of exposed fine aggregate in the surface of formed concrete, caused by bleeding.

رگه ماسه‌ای (ماسه زدگی) - رگه ای از سنگدانه های ریز در سطح بتن از قالب بندی خارج شده که در اثر آب انداختن ایجاد می شود.

رجوع شود به **grout, sanded** روان ملات پرماسه **sanded grout**—

sandstone—a cemented or otherwise indurated sedimentary rock composed predominantly of sand grains.

ماسه سنگ - سنگ رسوبی سیمانی شده یا سخت شده که عمدتاً از دانه های ماسه تشکیل شده است.

رجوع شود به **panel, sandwich** پانل ساندویچی **sandwich panel**—

Santorin earth—a volcanic tuff originating on the Grecian island of Santorin and used as a pozzolan.

خاک سانتورین - توف آتشفشانی که از جزیره یونانی سانتورین نشأت گرفته و به عنوان پوزولان استفاده می شود.

saponification—the alkaline hydrolysis of fats forming a soap; more generally, the hydrolysis of an ester by an alkali with the formation of an alcohol and a salt of the acid portion.

صابونی شدن - هیدرولیز قلعایی چربی ها که صابون را تشکیل می دهد؛ معمولاً هیدرولیز یک استر توسط قلعایی با تشکیل الکل و نمک از بخش اسیدی است.

saturated surface-dry—condition of an aggregate particle or other porous solid when the permeable voids are filled with water and no water is on the exposed surfaces.

اشباع با سطح خشک - وضعیت ذره سنگدانه ای ساینده جامدات متخلخل زمانی که حفره های نفوذپذیر با آب پر شده و آب روی سطح خارجی وجود ندارد.

saturated surface-dry (SSD) particle density—the mass of the saturated surface-dry aggregate divided by its displacement volume in water or in concrete.

چگالی ذرات اشباع با سطح خشک (SSD) - جرم سنگدانه های اشباع با رویه خشک تقسیم بر حجم جابجایی آن در آب یا بتن.

اشباع شدن **saturation**—

1. in general: the condition of coexistence in stable equilibrium of either a vapor and a liquid or a vapor and solid phase of the same substance at the same temperature; and

1. به طور کلی: شرایط همجواری در تعادل پایدار بخار و مایع یا حالت بخار و جامد ماده ای در دمای معین. و

2. as applied to aggregate or concrete: the condition such that no more liquid can be held or placed within it.

2. در مورد سنگدانه ی بتن: شرایطی که دیگر مایع بیشتری را نمی توان در آن قرار داد.

saturation, critical—a condition describing the degree of filling by freezable water of a pore space in cement paste or aggregate that affects the response of the material to freezing; usually taken to be 91.7% because of the 9% increase in volume of water undergoing the change of state to ice.

اشباع بحرانی - شرایطی که درجه پر شدن با آب قابل انجماد در فضای منافذ خم ی سیمان ی سنگدانه توسط آب قابل انجماد را توصیف می کند که بر عملکرد ماده در اثر انجماد تأثیر سوء می گذارد؛ معمولاً 91.7٪ به دلیل افزایش 9٪ حجم آب در حال تغییر حالت به یخ در نظر گرفته می شود.

saturation, vacuum—a process for increasing the amount of filling of the pores in a porous material, such as lightweight aggregate, with a fluid, such as water, by subjecting the porous material to reduced pressure while immersed in the fluid.

اشباع در خلاء - فرآیندی برای افزایش میزان پر شدن حفره های ماده متخلخل مانند سبکدانه با سوراخی مانند آب، از طریق قرار دادن ماده متخلخلی که در خلاء قرار گرفته و در مایع غوطه ور است.

saw cut—a cut in hardened concrete made using abrasive blades or discs.

برش با اره - برشی در بتن سخت شده که با استفاده از تیغه ها ی صفحات ساینده انجام می شود.

sawdust concrete— **concrete, sawdust** رجوع شود **بتن خاک اره ای** به

sawed joint— **joint, sawed** رجوع شود به **درز اره شده**

scab—a short piece of wood fastened to two formwork members to secure a butt joint.

تخته پشت بند - تکه چوب کوتاه که به دو عضو قالب بندی متصل می شود تا اتصال لب به لب حاصل شود.

scaffolding—a temporary structure for the support of deck forms, cartways, or workers, or a combination of these, such as an elevated platform for supporting workers, tools, and materials; adjustable metal scaffolding is frequently adapted for shoring in concrete work.

داربست - سازه‌ای موقت برای تحمل سکوها‌ی عرشه، راهروها یا بار کارگران، یا ترکیبی از آنها، مانند سکوی مرتفع برای حمایت از کارگران، ابزارها و مواد؛ داربست فلزی قابل تنظیم اغلب برای برپا نمودن پایه‌ها در کارهای بتنی بکار گرفته می‌شود.

scale—the oxide formed on the surface of metal during heating. (See also **scaling**.)

پوسته فلزی - اکسیدی که در طول حرارت دادن روی سطح فلز ایجاد می‌شود. (رجوع شود به **scaling**)

scaling—local flaking or peeling away of the near-surface portion of hardened concrete or mortar; also peeling or flaking of a layer from metal. (See also **mill scale**, **peeling**, and **spalling**.)

پوسته شدن - پوسته پوسته شدن یا لای لای شدن موضعی بخش نزدیک به سطح بتن یا ملات سخت شده. همچنین لای برداری یا پوسته پوسته شدن یک لای از فلز. (رجوع شود به **mill scale**, **peeling**, and **spalling**)

Note: light scaling of concrete does not expose coarse aggregate; medium scaling involves loss of surface mortar to 5 to 10 mm in depth and exposure of coarse aggregate; severe scaling involves loss of surface mortar to 5 to 10 mm in depth with some loss of mortar surrounding aggregate particles 10 to 20 mm in depth; very severe scaling involves loss of coarse aggregate particles as well as mortar generally to a depth greater than 20 mm.

توجه: پوسته پوسته شدن کم بتن، سنگدانه های درشت را آشکار نمی‌کند؛ پوسته پوسته شدن متوسط شامل از دست رفتن ملات سطحی به عمق 5 تا 10 میلی‌متر و نمایان شدن سنگدانه های درشت است؛ پوسته پوسته شدن شدید شامل از دست رفتن ملات سطحی به عمق 5 تا 10 میلی‌متر با مقداری از دست دادن ملات اطراف ذرات سنگدانه به عمق 10 تا 20 میلی‌متر است؛ پوسته پوسته شدن بسیار شدید شامل از دست دادن ذرات درشت سنگدانه و همچنین ملات معمولاً تا عمق بیش از 20 میلی‌متر است.

scalper—a sieve for removing oversize particles.

غربال (سرند درشت) - غربالی برای حذف ذرات درشت‌تر از حد مورد نظر.

scalping—the removal, by sieving, of particles larger than a specified size.

سرند کردن - حذف ذرات بزرگتر از اندازه مشخص با سرند کردن.

microscope, scanning electron (SEM) — میکروسکوپ الکترونی روبشی **scanning electron microscope (SEM)** رجوع

scarf connection— اتصال نیم‌نیم **connection, scarf** رجوع شود به

scarf joint—

اتصال نیم‌نیم یخ (درز لچکی)

scarf connection (preferred

term) رجوع شود به

schist—a finely layered metamorphic rock that splits easily and in which the grain is coarse enough to permit identification of the principal minerals.

شست - سنگ دگرگونی لایه‌ای ظریف که به راحتی شکافته می‌شود و دانه‌های آن به اندازه‌ای درشت است که امکان شناسایی کارهای اصلی را فراهم می‌کند.

Schmidt hammer—

چکش اشمیت **پایان ص 59**

hammer, rebound رجوع شود به

End P 59

scoria—vesicular volcanic ejecta of larger size, usually of basic composition and characterized by dark color; the material is relatively heavy and partly glassy, partly crystalline; the vesicles do not generally interconnect. (See also **aggregate, lightweight**.)

پوک‌ه اسکوریا (سنگ پا) - پرتاب آتشفشانی متخلخل با اندازه بزرگتر، معمولاً از ترکیب بادی و با رنگ تیره مشخص می‌شود؛ مواد نسبتاً سنگین و تا حدی شیشه‌ای، تا حدی بلوری است؛ حفره‌ها به طور کلی به هم پیوسته نیستند. (رجوع شود به **aggregate, lightweight**)

scour—erosion of a concrete surface, exposing the aggregate.

آب‌شستگی - فرسایش سطح بتن که سنگدانه‌ها را آشکار می‌کند.

scratch coat—

اندود گچ آستر (اندود گچ و خاک)

coat, scratch rod رجوع

شود به

screed—

شمشه (شمشه کشی)

1. to strike off concrete lying beyond the desired plane or shape; and

1. شمشه کشی سطح بتنی که فراتر از صفحه‌ی شکل دلخواه مورد نظر قرار دارد؛ و

2. a tool for striking off the concrete surface, sometimes referred to as a strike-off.

2. ابزاری برای صاف کردن سطح بتن، که گاهی شمشه نامیده می‌شود.

screed, cutting—sharp-edged tool used to trim shotcrete to the finished outline. (See also **rod**.)

شمشه لبه تیز (لبه چاقویی) - ابزاری با لبه تیز که برای پرداخت بتن پاششی و درآوردن به تراز نهایی استفاده می‌شود. (رجوع شود به **rod**)

screed guide—firmly established grade strips or side forms for unformed concrete that guide the strike-off in producing the desired plane or shape.

کُرْم بندی: نوارهای شیب بندی محکم علی قالب های جانبی برای بتن شکل نگرفته که راهنمایی هستند برای شمشه کشی در جهت ایجاد صفحه علی شکل مورد نظر.

screed rails— کُرْم بندی **screed guide** رجوع شود به

screed wire— سیم تواز (ریسمان بنائی) **wire, ground** رجوع شود به

screeding—the operation of forming a surface by the use of screed guides and a strike-off. (See also **strike-off**.)

شمشه گیری (شمشه کشی) - عملیات تشکلی سطح با استفاده از راهنماهای کُرْم بندی و شمشه کشی. (رجوع شود به **off-strike**)

screen—production equipment for separating granular material according to size, using woven-wire cloth or other similar device with regularly spaced apertures of uniform size.

سرند - تجهیزات تولفی برای جداسازی مواد دانه ای بر اساس اندازه، با استفاده از توری سیم بافته علی سالی وسالی مشابه با چشمه های منظم و اندازه یکنواخت.

screens, finish—vibrating screens (preferably horizontal) operated at a batching plant so that excessive amounts of significant undersize material are removed and delivered directly to the appropriate batcher bin without intermediate storage.

باقیمانده زیر الک - صفحه های ارتعاشی (ترجیحاً افقی) که در کارگاه تولید بتن بکار گرفته می شوند به طوری که مقادی زلای از مواد بسیار ریز خارج شده و مستقیماً به مخزن مناسب، بدون ذخی سازی مطلق، ریخته می شوند.

screw, adjustment—a leveling device or jack composed of a threaded screw and an adjusting handle; used for the vertical adjustment of shoring and formwork.

پیچ تنظیم - دستگاه تراز علی جک متشکل از یک پیچ رزوه دار و دسته تنظیم؛ برای تنظیم قائم شمع ها و قالب استفاده می شود.

sealant— درزگیر **sealant, joint** رجوع شود به

sealant, joint—compressible material used to exclude water and solid foreign materials from joints.

درزگش (درزپُرکن) - مواد انعطاف پذیر که برای جلوگیری از ورود آب و مواد خارجی جامد به داخل درزها استفاده می-شود.

sealer—a liquid that is applied to the surface of hardened concrete to either prevent or decrease the penetration of liquid or gaseous media, for example water, aggressive solutions, and carbon dioxide, during service exposure, that is absorbed by the concrete, is colorless, and leaves little or nothing visible on the surface. (See also **coating** and **compound, curing**.)

درزبند (آببند کننده) - مایعی که بر روی سطح بتن سخت شده برای جلوگیری از کاهش نفوذ مواد مایع و گاز مانند آب، محلول‌های تهاجمی و دی‌اکسید کربن در زمان بهره برداری که توسط بتن جذب می‌شود، اعمال می‌شود، بی‌رنگ است. ، و روی سطح اثر کم از غیر قابل مشاهده باقی می‌گذارد.

sealing compound —	آمیزه آب بند کننده	sealer رجوع شود به
sealing —	نشیمنگاه (سطح اتکا)	deformation, anchorage رجوع شود به